

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

اول می ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۷۹

مُلحدنامه

— ۴۵ —

جمله دلاکان، پی ترتیتِ سور
عامیانه مجلسی آراستند
از گلیم کهنه و ظرفِ سفال
مجلسی گنبدیده تر، از مستراح
یک طرف خر بسته یک سو گوسفند
سفره چرکین دران انداخته
شربتی، همشیره با^۱ شرب الیهود
شربتی، کان^۲ هرکه نوشد قی کند

جمع گردیدند، از نزدیک و دور
برگ سور از هرکسی درخواستند
مجلسی کردند اندر خوردِ حال
اهل مجلس مردم دور از صلاح
دود سرگین گشته از یک سو بلند
شربتی از شیره رز ساخته
شربتی نابودنِ آن، به ز بود
شرب آن عاقل، تصور کی کند

^۱ - "شرب الیهود": ترکیب عربی و در معنای "شراب خوردن یهود" است، چون یهودان، زمانی از ترس اسلام و مسلمانان شراب را پنهانی می خوردند. پس "شرب الیهود" کنایه ای ست، از "خوردن پنهانی شراب".
^۲ - "کان" مخفف "که آن" است

پس دو عامی کاب و جدّ^۳ نشناختند
شادمان گرديد، دلاک نژند
حاضران را کرد یکسر دستبوس
پایکوبان و دوان، از خار خار
صیغه تزویج، جاری ساختند
جامهای عاریت، در بر فگند
پس ز مجلس شد روان پیش عروس
چون خری کز دور بیند سبزه زار
او همی خواند این غزل هر دو بلند
مردم از هر گوشه اندر ریشخند

* * *

^۳ - "کاب" - که به شکل "کب" تلفظ می شود - مخفف "که اب" است و "اب" کلمه عربی و در معنای "پدر"، که جمعش "آباء" بیشتر ورد زبان است؛ چنان که "آباء و اجداد" گوئیم. و "اجداد" جمع عربی کلمه عربی "جدّ" است، و در معنای "پدرکلان".